

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال چهاردهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۹۹
صفحه ۳ تا ۲۶

بررسی رابطه انتخابات با قدرت نرم، امنیت نرم و ناامنی

پرویز توکل نیا / دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا (نویسنده اول)
tavakolnia1@yahoo.com

علیرضا گلشنی / دانشیار علوم سیاسی و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا (نویسنده مسئول)
agolshani41@yahoo.com

احمد آذین / استادیار علوم سیاسی و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
azin@iaush.ac.ir

چکیده

یکی از ابعاد مهم امنیت ملی، بُعد نرم افزاری آن است، که می‌تواند ناشی از قدرت نرم باشد. در این میان انتخابات به سبب کارویژه‌ها و کارکردهای نرم امنیت سازی که دارد، می‌تواند موضوع امنیت و یکی از عوامل امنیت ساز و ناامنی باشد. بر این اساس مقاله حاضر ضمن تعریف و تبیین مفاهیم انتخابات، قدرت نرم و امنیت نرم از طریق روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع مکتوب و مطالعات صورت گرفته درصدد پاسخ به این سؤال برآمده است، که انتخابات چگونه و به چه طریقی تولید امنیت و یا ایجاد ناامنی می‌کند؟ یافته‌های بدست داده نشان داد که انتخابات در فضای قدرت نرم و ارزش‌ها، مشروعیت نظام سیاسی، اقتدار و کارآمدی حکومت، قانونمداری، مردم سالاری، مشارکت سیاسی نهادمند، انسجام ملی، فرهنگ رقابت و تعامل و ظرفیت سیاسی و... تولید امنیت نرم نموده و امنیت ساز است. از دیگر سو انتخابات در فضای آسیب‌ها و تهدیدها در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف که می‌تواند ناشی از علل و عوامل زمینه‌ای، فردی و رفتاری، قوانین و مقررات و ساختاری باشند عامل تهدیدات نرم بوده و ایجاد ناامنی نمایند.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

امنیت نرم، قدرت نرم.

مقدمه

اگر اهداف امنیت ملی کشور را مجموعه‌ای از ثبات سیاسی و حفظ ارزش‌های ملی و دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقلال و تمامیت ارضی بدانیم، تأمین این اهداف و کوشش همه جانبه در حفظ و حراست از آن با اتکاء به آرای مردم و حضور موثر آنان در عرصه‌های مختلف مشارکت ملی است، که انتخابات به عنوان یکی از ظرفیت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در اعمال حق حاکمیت و اراده عمومی و تضمین آن می‌تواند نقش موثر و تأثیر بسزایی در تولید مولفه‌های قدرت نرم و ایجاد امنیت داشته باشد. بخصوص آنکه امنیت نرم در فضای قدرت نرم و بر اساس شاخصه‌های قدرت نرم نمایان می‌گردد. به تعبیر جوزف نای «قدرت نرم فراتر از ترغیب، توانایی تحریک دیگران به انجام کاری از طریق استدلال است. این نوع قدرت در بر دارنده توانایی جذب یا شیفته سازی نیز هست» (Nye, 2004: 124-125). علاوه بر موارد فوق، ابعاد نرم امنیت ملی که مورد تأکید تحلیل‌های نوین امنیتی است، با مواردی چون ظرفیت سیاسی، کارایی سیستمی، مشروعیت سیاسی، نهادمندی و انسجام اجتماعی مشخص می‌شوند (آزر، ۱۳۷۷: ۴۰) که از کارکردهای انتخابات و از مولفه‌های ایجابی امنیت می‌باشند. بنابراین موضوع امنیت به عنوان یک متغیر وابسته با توجه به متن آن معنی می‌دهد که متناسب با تحول متن آن تغییر می‌یابد.

امنیت مفهومی زمان‌مند و اشتقاقی است. زمان‌مند بودن به این معنا، که پارامترهایی که یک سطح نسبی از امنیت را تعریف می‌کنند، همواره در حال تغییرند» (Rehman, 1992: 7) و اشتقاقی بودن نیز به معنای وابستگی برداشت از امنیت به موضوعات و تحولات سیاسی و اقتصادی است (Booth, 2005: 29). بنابراین در حالی که مفهوم امنیت ثابت است، محتوا و موضوعات امنیت مفهومی سیال داشته و با تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و... در پیوند است. بر همین اساس انتخابات بنا بر ماهیتی که دارد و پدیده‌ای چند وجهی و معطوف به قدرت و حاصل بازی قدرت و داد و ستد سیاسی محسوب می‌شود و از حوزه‌ها و زمینه‌های مختلفی تأثیر می‌پذیرد و متعاقباً تأثیر می‌گذارد بر عرصه امنیت تأثیر گذار است. «اگر محیط امنیتی، ابعاد سخت افزاری و ابعاد نرم افزاری به عنوان سه متغیر عمده امنیت ملی در نظر بگیریم انتخابات به جهت ماهیتی که دارد می‌تواند موضوع امنیت باشد» (رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

انتخابات در بستر امنیت همه جانبه به سرانجام می‌رسد و خود نیز امنیت ساز است. اما در عین حال آن روی دیگر انتخابات بنا بر ذات و ماهیت انتخابات می‌تواند موضوع و مساله امنیت قرار گیرد و ضد امنیت شود. مقام معظم رهبری در تأکیدات خود به مناسبت انتخابات همواره بر این نکته تصریح داشته‌اند، که خط قرمز انتخابات و مبارزات انتخاباتی امنیت ملی در کلیه ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و هویتی آن است؛ بطوری که همه کنشگران سیاسی در فرآیند انتخابات باید به گونه‌ای رفتار کنند که نه تنها مؤلفه‌های امنیت ملی تضعیف نشود، بلکه با تقویت آنها ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد، از این رو، انتخابات را باید یکی از ارکان مهم دکترین باز دارندگی کشور برشمرد که با حضور گسترده و فراگیر عموم مردم و نمایش قدرت ملی مصونیت، اقتدار و امنیت همه جانبه در پی دارد و به خوبی از آن می‌توان به رابطه انتخابات و امنیت بخوبی پی برد، که انتخابات هم می‌تواند تولید امنیت نمایند و هم اینکه ایجاد چالش و ناامنی کند.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از گفتمان ایجابی امنیت است، که در آن امنیت مبتنی بر رضایت و محصول تعامل مشترک جامعه و نظام سیاسی دانسته می‌شود و در ساحت‌های مختلف اعم از فردی، اجتماعی، ملی و فراملی پیوسته مطرح بوده و بنابر دیدگاه نویسندگان امنیت، مطالعات امنیت به ویژه در نسبت با سایر پدیده‌ها، از تنوع و تکثر بسیار برخوردار است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۰). بنابراین انتخابات به عنوان کلید واژه سیاسی در تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت و ناامنی از اهمیت مطالعاتی قابل توجهی برخوردار است. بر این اساس اهمیت و ضرورت این پژوهش به نقش و تأثیر دوگانگی انتخابات بر امنیت و ناامنی بر می‌گردد. مقاله حاضر در چارچوب مبانی نظری پژوهش پس از تعاریف مفاهیم و نظرات بکار رفته در پژوهش، که به تعبیر فلیکس اوپنهایم! تبیین مفهومی تلاش می‌کند تا ساختار منطقی پژوهش را مشخص کند (شاپوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۹). و با مرور برخی از مطالعات صورت گرفته، به موضوع رابطه بین انتخابات، امنیت و ناامنی می‌پردازد.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۲. انتخابات

از انتخابات مانند هر اصطلاح سیاسی - اجتماعی دیگر تعاریف مختلفی که هر یک ناظر بر وجوهی از انتخابات می‌باشند، وجود دارد. از نظر اصطلاحی انتخابات رایج ترین واژه ی سیاسی به شمار می آید که پیوند عمیق مشارکت سیاسی با نظام های دموکراتیک و مردمی را دارد (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۶).

انتخابات عبارت از یک فرایند تصمیم گیری رسمی است. که طی آن مردم یا بخشی از مردم «واجدین شرایط رأی» برای اداره عمومی خود شخص یا اشخاصی را برای مقامی رسمی و برای مدت معلوم از طریق رأی و شرکت در انتخابات برمی‌گزینند، که از طریق آن اراده ی شهروندان در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی دخیل داده می‌شود» (قاضی، ۱۳۸۲: ۶۷۹). انتخابات با رأی مردم که اساس و جوهره انتخابات است عینیت می‌یابد. لذا حد و میزان رأی نیز معرف و تعریف انتخابات است «رأی بنا به تعریف عملی تشریفاتی و حقوقی است که شهروندان با انجام آن، طبق ضوابط و شرایط قانونی به گزینش نماینده یا نمایندگان می‌پردازند» (قاضی، ۱۳۸۳: ۶۸۶). ضمن اینکه اگر بدون رای دادن شخصی را مقامی گمارند آن را انتصاب گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۳۶).

۲-۱-۲. کارویژه های انتخابات

انتخابات دارای کارویژه هایی است، که بنا به تعریف عبارت از کارکردها و کارهایی است. که انتخابات انجام می دهد، یا زمینه انجام آنها را فراهم می کند و یا سبب انجام آنها خواهد شد (رُز ریچارد، ۱۳۹۰: ۵۳۲). بر همین اساس اولین و اساسی ترین کارکرد انتخابات در جمهوری اسلامی ایران تأسیس ساختارهای نظام است، که این نقش حیاتی در اولین سال پیروز انقلاب اسلامی در چندین همه پرسی و انتخابات تجلی یافت (بنی هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۴۸). از دیگر کارکردهای انتخابات می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- قاعده مندی قدرت سیاسی، کنترل قدرت سیاسی، نهادینه سازی قدرت سیاسی،

مشروعیت بخشی و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی (خسروی، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

- ایجاد ثبات سیاسی و نهادمندی سیاسی (خسروی، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

- انتخاب و گزینش گری و تسهیل در چرخش نخبگان، یا به عبارتی بازسازی و اصلاح

هرم قدرت سیاسی به شکل مسالمت آمیز (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۴).

- خلق فضایی به منظور تضارت آراء و اندیشه ها «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (قرآن کریم سوره زمر آیه های ۱۶ و ۱۷).

— ایزاری به منظور بازسازی و ترمیم مشروعیت سیاسی و خود ترمیمی در سیستم سیاسی در مقاطع مختلف یک نظام سیاسی (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۱۰).

— خلق یک نظام اقناعی با استعمال و ترویج ادبیات وفاق و بهره گیری از آن (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۱۱).

— تعامل در عرصه یک نظام اجتماعی به منظور اجماع سیاسی در مشارکت سیاسی و تحکیم مناسبات میان دولت و ملت (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۱۳).

— قاعده مند نمودن تصدی پست های عمومی و انتخاباتی (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۱۶).

— فرهنگ سازی سیاسی، به این معنی که فرهنگ سیاسی تحول پذیر است، و شیوه عملکرد ساختار قدرت و نحوه انتقال و جابجایی قدرت بر آن تأثیر می گذارد (قاضی، ۱۳۷۱: ۳۱۰).

— ترغیب فرد باوری و عقلانی سازی رفتار جمعی (قنبریان، ۱۳۸۴: ۴۱).

— ایجاد و تقویت قدرت نرم و در نتیجه آن ایجاد امنیت نرم.

علاوه بر کارکردهای فوق، برگزاری انتخابات دوره‌ای و سالم همراه با مشارکت سیاسی نهادمند و رقابت سیاسی نهادینه شده یادآور ارزش های اخلاقی دموکراتیک، همچون اصل مشترک همکاری و احترام و درک متقابل مسائل منطقه‌ای و جهانی می باشد.

۳-۱-۲. امنیت و امنیت نرم

امنیت مفهومی زمان وند و زمینه وند به شمار می آید و مفهومی نسبی است (دلاورپور اقدام، ۱۳۸۹: ۱۲). امنیت از حیث لغوی به معنای در امان بودن و بی بیمی است. که از آن با واژگان دیگری چون اطمینان، آرامش، حمایت و محافظت نیز تعبیر می شود. از حیث اصطلاحی امنیت معنای صریح و آشکار دارد، و به وضعیت مبتنی بر نبود تهدید برای منافع یک بازیگر است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۱). امنیت مطابق رویکرد تحلیل گفتمانی در قالب دو معنای کلی «سلبی» و «ایجابی» قابل بررسی است: در رویکرد سلبی امنیت به مثابه وضعیتی است که در آن، یا تهدیدی متوجه منافع بازیگر نیست و یا در صورت وجود تهدید، بازیگر از توان و امکان مدیریت آن برخوردار است. کما اینکه در رویکرد ایجابی امنیت به مثابه وضعیتی است که در آن بین خواسته های شهروندان با کارویژه های نظام سیاسی نسبتی متعادل وجود دارد به گونه ای که در شهروندان رضایت مندی ایجاد

می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۲). درونی بودن نگاه گفتمان ایجابی، تأکید گفتمان ایجابی بر قدرت نرم افزاری و رضایت به عنوان مبنای گفتمان از جمله ویژگی‌های گفتمان ایجابی، امنیت می‌باشند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

ریچارد لونتال آلمانی با گسترده کردن دامنه تعریف امنیت؛ امنیت را علاوه بر «فقدان تهدید نظامی یا حفاظت از ملت در برابر براندازی یا حمله نظامی، پایداری از حق تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی ملت را نیز امنیت می‌داند» (هافندرون، ۱۳۷۱: ۴). مفهوم امنیت در گفتمان ایجابی با مشروعیت سیاسی پیوند می‌خورد و اعتقاد بر این است که کشورهایی که به نسبت بایدهای درونی، قدرت خود را از طریق ایجاد نهادهای مبتنی بر اعمال حق تعیین سرنوشت استحکام بخشیده‌اند از قدرت مردم و مشروعیت لازم برخوردارند.

امنیت نرم مهم‌ترین و نامحسوس‌ترین بُعد امنیت است، که به علت گستره آن و بر حسب اینکه در قبال موضوعات مختلف تفسیر پذیر است. لذا تعریف خاصی از آن که مورد توافق باشد وجود ندارد. با این وجود جامع‌ترین تعریف موجود از امنیت نرم که منطبق با اهداف این پژوهش می‌باشد متعلق به دکتر اصغر افتخاری است. وی با تقسیم‌بندی امنیت در دو گفتمان «سلبی امنیت»^۱ و «ایجابی امنیت»^۲، امنیت نرم را معطوف به گفتمان ایجابی در حوزه امنیت دانسته، و در استدلال گفتمان ایجابی می‌گوید «در امنیت ایجابی صرفاً نبود تهدید معیار تعریف امنیت قرار نمی‌گیرد، بلکه تنها به عنوان شرط لازم و نه شرط کافی در امنیت تعبیر می‌شود، بطوری که عامل اصلی در تحقق امنیت، در گفتمان ایجابی عنصر رضایت است. از نظر وی امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها از یک سو و داشته‌ها از سوی دیگر، نسبتی متعادل وجود دارد که در چنین حالتی امنیت در این گفتمان به رضایت و قدرت نرم تقلیل می‌یابد» (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۴-۲۹).

با عنایت به تعریفی که از امنیت نرم و بعد ایجابی امنیت ارائه شد. انتخابات بنا بر کارویژه‌های که در ایجاد مشارکت عمومی، مشروعیت بخشی، توانمند سازی سیاست و نهادمند نمودن قدرت سیاسی و رضایت مردم به سبب اعمال حق حاکمیت از طریق

2 - Richard Leventhal

1- Negative Security Discourse

2- Positive Security Discourse

رای و... از متغیرهای مفید در تقویت و حفظ ارزش‌ها و هویت‌ها است، که برگزیده‌ای ایجابی امنیت نرم تطابق دارد. ثبات سیاسی به عنوان مهم‌ترین هدف سیاسی - امنیتی دولت‌ها در واقع حالتی است که در آن اعضای جامعه از الگوهای رفتاری نهادینه شده در چارچوب‌های کانال‌های رسمی به انتظارات و نقش سیاسی خود عینیت می‌بخشند. براین اساس، مبنای تداوم هنجاری و رفتاری ثبات سیاسی به امکان‌پذیری فرایند تداوم الگوهای خاصی از رفتار سیاسی اشاره دارد که با انتظار عمومی همراهی می‌شود (خواجه سروری، ۱۳۸۲: ۹۲).

۴-۱-۲. قدرت نرم و تهدید نرم

مفهوم قدرت نرم اولین بار توسط جوزف نای در سال ۱۳۹۰ مطرح گردید. وی این مفهوم را برای نخستین بار با چنین تعریف کرد «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب چیزی و شکل دادن به اولویت‌ها و ترجیحات از طریق اقناع و جذابیت به جای اجبار است» (حسن بیگی، ۱۳۸۶: ۱۴). این تعریف دارای دو کلیدواژه اساسی است؛ اول آنکه، قدرت نرم برخلاف قدرت سخت تنها به دنبال تغییر ساده رفتار افراد نیست بلکه به دنبال تحمیل ارزش‌ها، آرمان‌ها، ترجیحات و اولویت‌های خود می‌باشد. بر این اساس قدرت نرم به ابعادی از قدرت توجه دارد که ضمن برخورداری از ماهیتی غیر خشن و نامحسوس بر اقناع و جذابیت استوار است، که به شکل پذیرش تجلی می‌یابد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۴۷). قدرت نرم به سبب اینکه بر ارزش‌ها بنا نهاده شده است. افق جدیدی در فهم و تبیین مطالعات سیاسی و امنیتی به وجود آورده است. بخصوص آنکه در دوران کنونی اعمال قدرت سخت به نحوی تحت تأثیر قدرت نرم قرار دارد «اتصال صفت (نرم) به موصوفاتی چون قدرت، تمام خصوصیات آنها از جمله ماهیت، اهداف، ابزار، فرآیند تولید، ویژگی و منابع را دستخوش تغییر و تحول نموده است. به گونه‌ای که امروزه تعبیر سنتی از این مفاهیم در برخورد با گفتمان نرم افزاری، در حکم تعبیری ناکارآمد توان فهم و تبیین تحولات را ندارند» (جهان بین و امامی، ۱۳۹۳: ۵۱).

تهدید نرم عموماً در مقابل تهدید سخت قرار می‌گیرد و اساساً موصوف نرم تغییرات مهمی را در عناصر اصلی تهدید باگذر زمان ایجاد کرده است. به طور مثال در تهدید نرم، ابزار تهدید از سخت به نرم تغییر می‌یابد و نیز عنصر هدف و قلمرو تهدید از سخت به نرم جابجا می‌شود. به عبارت دیگر تغییر و تحول در ماهیت هدف، ماهیت و جنس تهدید را تعیین کرده و آن را به دو دسته تهدید نرم یا سخت تبدیل می‌کند (ذوالفقاری،

عصاریان نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۲). در تهدید نرم عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید فهم و درک نماید. به عبارتی تهدید در هر بُعد و شکل یک هدف اساسی را دنبال می‌کند و آن عبارت است از «تحمیل اراده بر حریف و انجام رفتار مطلوب و مورد نظر تهدیدکننده» است که یک بخش آن تأثیرگذاری بر افکار از طریق الگو پردازی است و بخش دیگر آن باورسازی و مسخ الگوهای رایج را تشکیل می‌دهد (گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). بنابراین می‌توان گفت که تهدید نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیر خشونت آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوها و هنجارهای رفتارهای حاکم در تعارض است. همانگونه که اشاره گردید از آنجا که امنیت واجد ابعاد دوگانه سلبی و ایجابی است. که در بُعد سلبی به نفی، رفع و تقلیل تهدید و در بُعد ایجابی به ارتقاء و بهینه‌سازی وضعیت زیست بوم در حوزه‌های مختلف و رضایت مندی بر می‌گردد. به طبع آنها و در پی تغییر و تحول در مفهوم امنیت و تهدید، «تهدید» نیز ناشی از دو رویکرد سخت و نرم افزارانه است. بطوری که در رویکرد نرم افزارانه، تهدید ماهیت نرم دارد و اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... به خود می‌گیرند و ریشه در نارضایتی و ناکارآمدی و... دارد. انتخابات به عنوان پدیده‌ای که زمینه‌ی ارتباط با مولفه‌های قدرت نرم و تهدید نرم دارد به تاسی از آن می‌تواند هم ایجاد قدرت نرم کند و هم اینکه هدف تهدید نرم قرار گیرد.

۳- پیشینه پژوهش

با بررسی‌های بعمل آمده، پژوهشی که به صورت مستقیم به مقوله انتخابات، قدرت نرم، امنیت نرم و ناامنی پرداخته باشد و ارتباط بین سه مؤلفه مزبور با انتخابات بررسی و تبیین نماید ملاحظه نشد. به‌رغم اهمیت نگاه علمی و آسیب‌شناسانه به انتخابات به عنوان یک پدیده بین‌رشته‌ای و سابقه طولانی برگزاری انتخابات مختلف و بطور میانگین هر سال یک انتخابات در ایران منابع و آثار علمی معتبر و قابل استناد در موضوع ارتباط انتخابات با قدرت نرم، امنیت نرم و ناامنی بنا به علل مختلف که می‌تواند ناشی از ضعف جامعه علمی در پرداختن به تحقیق و پژوهش در مسائل انتخابات، دولتی و محرمانه‌نگه داشتن داده‌ها و اطلاعات انتخابات، عدم گردش آزاد داده‌ها و اطلاعات انتخابات و

فقدان مرکز، نهاد و یا موسسه علمی و مطالعاتی مختص به انتخابات در کشور به منظور دست یابی به اطلاعات و تحلیل های مشخص و منسجم و قابل اتکاء و اعتماد، ضعف علمی و روحیه مطالعاتی مسئولین سیاسی و اجرایی و متولیان انتخابات، نگاه امنیتی و سیاسی به مسائل انتخابات، عدم علاقه و پژوهش در زمینه ی انتخابات و مسائل مرتبط با آن به سبب هزینه ی بالا و زمان زیاد و خلم و فاصله میان روشنفکران و متخصصین علوم انسانی در تحقیق در حوزه انتخابات به خصوص در موضوع رابطه بین انتخابات با قدرت نرم و امنیت نرم نوشته نشده است. با این حال کتاب ها و مقالات مختلفی در موضوع انتخابات و مولفه های نوشته شده است. که در اینجا از باب موضوع به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود:

از مهم ترین آنها می توان به انتخابات و امنیت ملی؛ از ثبات تا دگرگونی سیاسی (علیرضا رحیمی، ۱۳۹۴) نام برد که در آن عرصه امنیت ملی از تأثیر نظام انتخابات جدا نمی داند و به کارکردهای انتخابات نگاه پارادوکسیکال دارد که با وجود ایجاد امنیت در مواردی ضد امنیت می توانند باشند. دیگر مقاله انتخابات و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (میرقاسم بنی هاشمی ۱۳۹۵) است. ایده اصلی مقاله به این موضوع اشاره می کند، که انتخابات علاوه بر اینکه دارای کارکردهای ایجابی و امنیت ساز است، چهره دیگر انتخابات در جمهوری اسلامی ایران پدیدار سازی سطوح مختلفی از بی ثباتی سیاسی، مسائل و چالش های امنیتی و تهدیدات اجتماعی بوده است، سه وضعیت انتخابات نسبتاً آرام، انتخابات چالش آفرین و بحران انتخاباتی را در دو سطح محلی- منطقه ای و ملی مورد اشاره قرار داده است.

در باب موضوع قدرت نرم: مهم ترین آثار به جوزف نای تحت عنوان قدرت نرم تعلق دارد، که به صورت مقاله و کتاب منتشر شده است (نای، ۱۳۸۷). از دیگر آثار مهم در باب قدرت نرم می توان کتاب قدرت نرم، فرهنگ و امنیت (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷). نام برد، که فرهنگ بسیج و قدرت نرم، قدرت بسیج و امنیت نرم، دانش بسیج و تولید قدرت نرم و الگوی بسیج در فضای فرهنگی مهم ترین موضوعات آن است. مباحث کتاب جهت تبیین قدرت نرم و امنیت نرم بر موضوع فرهنگ تمرکز یافته است. اگر چه موضوع انتخابات بصورت مستقیم در آن بحث نشده است اما به صورت غیر مستقیم مولفه های امنیت بخش انتخابات در آن مورد اشاره قرار می گیرد. از دیگر آثار مهم، کتاب قدرت نرم و سرمایه اجتماعی افتخاری و همکاران، (۱۳۸۷ الف) است که

گونه شناسی قدرت نرم، نگاهی انتقادی به قدرت نرم، حوزه های کاربرد قدرت نرم، بنیاد معرفتی قدرت نرم، گفتمان اسلامی قدرت نرم، بررسی و مقایسه ی قدرت نرم در گفتمان اسلامی و گفتمان لیبرال دمکراسی مورد بررسی قرار می دهد که تا اندازه ای به بحث حاضر ارتباط دارد. اما رابطه حوزه های مذکور که مقاله حاضر در پی آن است را تبیین نمی کند که ضرورت پژوهشی در این زمینه را فراهم می نماید.

در باب موضوع تهدید نرم: تهدید نرم بر خلاف قدرت نرم، بیش از آنکه مفهومی وارداتی باشد، در پی موضوعات مختلف تهدید زا از جمله انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ادبیات استراتژیک ساخته و پرداخته شده است. در این زمینه کتاب تهدید نرم، رویکردی اسلامی (افتخاری، ۱۳۹۱). اصلی ترین و مهم ترین منبع موجود می باشد. مؤلف در این کتاب با رویکردی انتقادی به نظریات رایج به ارائه نظریه اسلامی از تهدید نرم پرداخته است. کتاب تهدید نرم و راهبردهای مقابله (گروه مطالعات امنیتی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸). منبع دیگری می باشد که به بررسی تهدید نرم و شیوه های اعمال آن، شاخص ها و ابعاد آن در حوزه های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و جایگاه آن در نظریه های دفاعی و امنیتی پرداخته است. کتاب کالبد شکافی تهدید (افتخاری، ۱۳۸۵) به تهدیدات و از آن جمله تهدیدات نرم و کیفیت سیر آن از مرحله اجتماعی به امنیتی پرداخته است.

در باب موضوع امنیت نرم: امنیت نرم از جمله نظریاتی است که حجم بسیار کمی از مطالب را به خود اختصاص داده است. از جمله آنها می توان به کتاب طراحی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تأمین امنیت ملی ج. ا. ا. (کلاهیچیان، ۱۳۸۹) نام برد. که در آن محقق در چارچوب این پژوهش در پی دستیابی به الگویی برای بسیج منابع قدرت نرم برای تأمین امنیت است. نتیجه این پژوهش ارائه الگویی سه وجهی مبتنی بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد برای کاربرد منابع قدرت نرم ج. ا. ا. است. پژوهشی درباره امنیت نرم، (عبداله خانی، ۱۳۸۹). نوشته دیگری در این باره است. این نوشته در برگیرنده اصول مباحث و ادبیات امنیت نرم است. علاوه بر موارد فوق آثار مجموعه مقالاتی همچون، چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم؛ با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران (غرایاق زندی، ۱۳۸۸). مقاله امنیت نرم و چرایی اهمیت آن (یزدان فام، ۱۳۸۸). به بررسی چیستی و ابعاد و وجوه امنیت نرم می پردازد. در این آثار با اشاره به

علل و عوامل ایجاد واژه امنیت نرم، ابعاد، اهداف، ابزار و نتایج آن تشریح گردیده است.

روش پژوهش

بنا بر اهمیت و تأثیری که روش تحقیق متناسب با موضوع پژوهش بر زوایای گوناگون پژوهش و بر مسأله و اهداف تحقیق، جمع آوری داده ها و اطلاعات، تجزیه و تحلیل و دست یابی به نتایج و اعتبار یافته های پژوهش دارد. در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی با بهره گیری از منابع مکتوب و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. جمع آوری اطلاعات و داده ها از طریق ابزار فیش برداری است. در تحقیق حاضر به این سوال پاسخ داده می‌شود که انتخابات چگونه و به چه طریقی تولید امنیت و یا ایجاد ناامنی می‌کند؟ فرضیه نیز این است که انتخابات بنابر ذات و ماهیتی که دارند در بستر و شرایط مقتضی بنابر کارکردها و کارویژه های که دارد می‌توانند نقش دوگانه در ایجاد امنیت و ناامنی کنند.

چارچوب نظری

انتخابات از چند رویکرد قابل بررسی و تحلیل است. یکی از آنها رویکرد سیاسی است، که سعی در بررسی و تحلیل نقش و تأثیر انتخابات بر عرصه قدرت در جامعه و در میان نیروهای سیاسی، احزاب و کنشگران سیاسی، نوسازی سیاسی و... دارد. رویکرد دوم، رهیافت اقتصادی است. در این رویکرد، هم می‌توان به تأثیر وضعیت شاخص‌های خرد و کلان اقتصادی بر ذهنیت و رفتار انتخاباتی جامعه و سرنوشت انتخابات پرداخت و هم می‌توان تأثیر برگزاری انتخابات و نتایج آن را بر شاخص‌های اقتصادی سنجید. در این مقاله رهیافت تحلیلی به انتخابات به دوگانگی نقش انتخابات در امنیت است، که انتخابات هم می‌تواند در ایجاد امنیت نقش داشته و امنیت ساز باشد و هم ناامنی ایجاد کند، آنجا که در بین مؤلفه‌های انتخابات و منابع سازنده قدرت نرم و امنیت و ناامنی وجوه مشترکی دیده می‌شود که انتخابات می‌تواند بین این مفاهیم، رابطه‌ای نرم افزارانه برقرار کند و هم اینکه با تغییر رویکرد امنیتی، امنیت و ناامنی مرجع و وجوه مختلفی به خود گرفته و انتخابات به سبب اینکه حامل سه شاخص نرم افزاری امنیت ملی یعنی «مشروعیت سیاسی»، «انسجام سیاسی-اجتماعی» و «ظرفیت سیاسی (اقتدار و کارایی)» است. واجد صیغه امنیت قلمداد می‌شوند که در اندیشه گفتمان ایجابی به عنوان مرجع امنیت می‌توان

جای گیرد بر این اساس در چارچوب نظری مقاله با بهره گیری از تعاریف و مفاهیم بکار رفته در پژوهش به قابلیت های انتخابات در ایجاد امنیت و ناامنی پرداخته می شود.

۵- قابلیت های انتخابات در ایجاد امنیت

۱-۵. تطبیق با تغییرات محیطی، ایجاد گفتمان غالب و اعتماد سیاسی

یکی از ویژگی های امنیت ملی ذهنی بودن آن است. به این معنا که برداشت فرد یا گروه، مصداق های آن را تعیین می کند. از این رو استراتژی امنیت ملی بایستی در پیوند با گفتمان غالب جامعه باشد و در واقع ساختارهای ذهنی اجتماع در آن مورد پردازش قرار گیرد. در غیر این صورت ایجاد شکاف بین گفتمان امنیتی نخبگان و جامعه در پی خواهد داشت. که می تواند تهدیدزا باشد؛ در این میان انتخابات می تواند از طریق تطبیق گفتمان امنیتی نخبگان با جامعه موجب تحقق گفتمان غالب در جامعه که در راستای ارزش ها و هنجارهای و... جامعه است. مورد پشتیبانی قرار دهد. بدین سان انتخابات یکی از کارکردهای امنیتی خود را که همانا احساس امنیت در اجتماع است، به منصف ظهور می رساند.

از طرفی انتخابات با ترغیب فرد باوری و عقلانی سازی رفتار جمعی این امکان را در افراد جامعه ایجاد می نماید تا به تغییرات محیطی واکنش نشان داده و آثار و تغییرات محیطی را در وجود خود درک نمایند و متعاقب آن به تأسی از تغییرات صورت گرفته. در پی خواسته ها و تقاضاهای جدید باشند. در این میان برگزاری انتخابات و نتیجه آن یکی از وسایل انتقال این خواسته ها به شکل مسالمت آمیز و دادن پیام به نظام سیاسی جهت اتخاذ راهکارهای مناسب در قبال خواسته ها است. که در صورت عدم تحقق آن باعث نارضایتی است. در حقیقت، این خواسته ها و پیام ها داده هایی هستند که از طریق برگزاری انتخابات دوره ای به سیستم سیاسی منتقل می شوند. در صورت فقدان برگزاری انتخابات، جریان داده های عمومی و مشروع مختل و نظام سیاسی اطلاعات صحیح و مناسب عمومی را دریافت ننموده و لذا نمی تواند با تغییرات محیطی خود را تطبیق و همگام نمایند، خلع حاصل نظم و ثبات سیاسی را با تهدید روبرو می کند. لذا انتخابات با ایفای هماهنگی بین سیستم و تغییرات محیطی، به ثبات و امنیت کمک می کند.

۲-۵. انسجام ملی و جلوگیری از منازعات خشونت آمیز

یکی از وجوهی که به واژه ملی در مفهوم امنیت ملی قالبی انضمامی می دهد، تدوین خط مشی ها و استراتژی های امنیت بر پایه تهدیدها و مخاطرات متوجه مردم

است (رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۵). انتخابات به این سبب که از طریق خلق یک نظام اقناعی با استعمال و ترویج ادبیات وفاق و بهره‌گیری از آن و ایجاد فضایی به منظور تضارت آراء و اندیشه‌ها و تعامل در عرصه یک نظام اجتماعی به منظور اجماع سیاسی در مشارکت سیاسی و تحکیم مناسبات میان دولت و ملت فراهم می‌نماید، اهمیتی امنیتی و امنیت بخش پیدا می‌کند. انتخابات در حقیقت سازوکار بدیلی است برای بیان خشونت آمیز تقاضاهای سیاسی و اجتماعی که می‌توانند در شکل اعتصاب، اغتشاش، شورش و آشوب‌های اجتماعی ظاهر شوند است.

نظام‌های سیاسی توسعه‌گرا در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... و انسجام سیاسی - اجتماعی درونی به عنوان بستر و زیر بنای حکمرانی مؤثر محسوب می‌شود؛ بطوری که در این نظام‌ها بازیگران در کنش سیاسی - اجتماعی خود بر ضرورت‌های ساختاری تأکید داشته و نشانه‌هایی از همبستگی ملی و انسجام درونی در چارچوب قانون و فرایندهای مبتنی بر قانون‌گرایی پیگیری می‌نمایند و متعاقب آن هر یک از بازیگران در نقش‌هایی که دارند بر هم‌گرایی و هم‌افزایی و هم‌تکمیلی تأکید نموده است بر این اساس زمینه‌های اعتماد متقابل دولت و ملت، اتحاد و اتفاق نظر برای گذار از بحران‌های احتمالی می‌گیرد.

چنانچه یکی از اهداف مرجع امنیت نرم انسجام بدانیم، پیشرفت هر جامعه‌ای و متعاقب آن امنیت آن جامعه تابع انسجام درونی آن است «تا هنگامی که عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی و به خصوص فرهنگی جامعه‌ای از انسجام و منطق درونی برخوردار نباشند. نمی‌توانند مجموعه آن جامعه را در مسیر پیشرفت، توسعه یافتگی و برخوردارگی از امنیتی پایدار سوق دهند. یکی از مؤلفه‌های مهم در ایجاد انسجام آحاد مردم یک جامعه، وجود حس مشترک مبتنی بر داشتن منافع مشترک است. به طور معمول این حس در گذر زمان شکل می‌گیرد و هر چه ریشه در گذشته دورتر داشته باشد از استحکام بیشتری برخوردار است (سریع القلم، ۱۳۸۲: ۳۳). در این میان انتخابات با فرهنگ سازی سیاسی، به این معنی که فرهنگ سیاسی تحول پذیر است، و شیوه عملکرد ساختار قدرت و نحوه انتقال و جابجایی قدرت بر آن تأثیر می‌گذارد بر ایجاد امنیت و ناامنی مؤثر است.

۳-۵. کارآمدی، ثبات و مشروعیت سیاسی

انتخابات بنا بر کارویژه‌هایی که دارد موجب افزایش کارایی و مشروعیت سیستم سیاسی و ثبات و امنیت سیستم می‌شوند. انتخابات به دو دلیل عمده به ثبات سیاسی -

اجتماعی دامن می زند، اول از طریق کنترل قدرت سیاسی به طریق برگزاری انتخابات دوره ای و انتخاب کارگزاران به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم توسط مردم و متعاقب آن فراهم نمودن امکان نظارت عمومی بر عملکرد منتخبین در خصوص رضایت یا عدم رضایت از عملکرد آنها است «تجدید ادواری دوره تصدی مقام های انتخابی یک تمدید اساسی برای تضمین پاسخگو ساختن نخبگان دمکرات است» (گابریل آلمود و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۱۰). از این رو انتخابات عمومی از طریق کنترل قدرت سیاسی و نظارت بر منتخبین در مشروعیت نظام سیاسی ایفای نقش می نماید.

دوم، انتخابات با ایجاد گزینش گری و تسهیل در چرخش نخبگان یا به عبارتی بازسازی و اصلاح هرم قدرت سیاسی به شکل مسالمت آمیز و واگذاری مناصب سیاسی به افراد شایسته، گزینه ها و بدیل های متعدد برای گزینش و انتخاب مردم به منظور بهبود عملکرد و ارتقاء سطح کارایی و متعاقب آن رضایت مردم در معرض انتخاب مردم قرار می دهد که به حفظ ثبات و امنیت کمک می نماید «در اصل، ثبات سیاسی ناظر به وجود توازن بین خواسته های مردمی از یک طرف و کارویژه های دولتی از طرف دیگر می باشد. به تعبیر دیگر، در درون هر جامعه چنانچه نظام سیاسی حاکم بتواند به خواست های متنوع مردم پاسخ در خور شأن و قانع کننده ای بدهد و نظام مزبور مطابق با باور و عقاید و ارزش های مورد قبول جامعه باشد و از جانب آن تأیید گردد، آن نظام از ثبات سیاسی برخوردار خواهد بود. چنانچه کارآمدی دولت به هر دلیلی کاهش یابد، زمینه بروز نارضایتی فراهم می آید که در صورت گسترش و تعمیق آن ممکن است به زوال مشروعیت سیاسی نظام و در نهایت بروز رفتارهای اعتراض آمیز که تجلی بیرونی بی ثباتی سیاسی هستند، منجر گردد» (افتخاری، ۱۳۸۱: ۶۶-۶۷).

انتخابات از فرایندهایی است که به سبب ایجاد و اعمال قاعده مندی قدرت سیاسی، کنترل قدرت سیاسی، نهادینه سازی قدرت سیاسی، مشروعیت بخشی و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی امکان و انگیزه لازم را برای عموم جامعه و گروه های حاشیه ای و اقلیت ها به منظور مشارکت سیاسی و دستیابی به مناصب سیاسی فراهم می نماید. انتخابات به گروه هایی که برای تصاحب قدرت سیاسی به رقابت می پردازند، تضمین می دهد که بهترین راه و شیوه کسب قدرت، حضور در انتخابات بوده، مضاف بر اینکه کسب قدرت از راه انتخابات ضمن برخورداری مشروعیت لازم، مسالمت آمیزترین شیوه در رسیدن به اریکه قدرت به این سبب است که همه شهروندان با ارزش و عیار رأی

می‌توانند به طور منصفانه در تعیین منتخب و یا منتخبان و ترجیحات خود شرکت نمایند و افرادی را که لایق و شایسته و توانا هستند، برای پست‌های مبتنی بر رأی مردم برگزینند «انتخابات به مانند یک تیغ دولبه می‌ماند که از یک طرف گروه یا شخصی را از قدرت و حکومت خلع ید می‌کند و از طرف دیگر، قدرت جدیدی را جایگزین می‌نماید، بطوری که «کارویژه انتخابات در نظام دموکراتیک و بهبود و تحکیم نظام مردمی، وضوح بیشتری به خود می‌گیرد» (خسروی، ۱۳۸۸: ۱۸۷). حال در یک رقابت مسالمت آمیز انتخابات با قاعده‌مند نمودن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر موجب افزایش اعتماد ملی و ارتقاء سرمایه اجتماعی و متعاقب آن موجب جذب و رضایت آنها می‌شود بدین سان ثبات سیاسی، نهادمندی سیاسی و مشروعیت سیاسی در نزد گروه‌های سیاسی - اجتماعی مختلف نمایان می‌سازد.

ساموئل هانتینگتون کسب قدرت از طریق انتخابات را مستلزم رعایت موازینی دانسته است تا اینکه دموکراسی تضمین شود «تحکیم دموکراسی مستلزم آن است، که یک کشور آنچه را که او آزمون انتخاباتی «دو بار جابجایی قدرت» می‌نامد را پشت سرگذراند، یعنی برگزاری منظم یک سلسه از انتخابات که در آنها حزبی که اولین انتخابات را می‌برد و حکومت را تشکیل می‌دهد، در یک انتخابات دیگر «و نه لزوماً انتخابات بعدی» ببازد و قدرت را واگذار کند. عبور از آزمون انتخاباتی «دو بار جابجایی قدرت» ممکن است چندین دهه زمان ببرد، برای نمونه در کشور هند دو بار جابجایی حکومت تا سال ۱۹۸۰ یعنی تا ۳۴ سال پس از استقلال رخ نداد (دلفروز، ۱۳۹۰: ۱۲۸). از نظر هانتینگتون فرایند گذر به دموکراسی و تحکیم دموکراسی نه تنها مستلزم برگزاری بیش از یک انتخابات است، بلکه مستلزم برگزاری سلسه‌ای از انتخابات است، که به جابجایی حکومت و اساسی تر از آن به تمایل بازندگان برای رعایت قواعد بازی و پذیرش شکست منجر شود. برگزاری بیش از ۳۳ انتخابات عمومی و سراسری و بطور میانگین هر سال یک انتخابات از بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون در اثبات استدلال هانتینگتون، آنچه او آن را کسب قدرت از طریق انتخابات و دو بار جابجایی قدرت می‌داند، است.

اگر چه وجود ساز و کار انتخاباتی خود به خود برای امنیت نظام سیاسی کافی نیست، و به عوامل و لوازم دیگر نیز نیاز است، با این حال اجرای مطلوب فرایندهای انتخابات و

برگزاری سالم، شفاف، بی طرفانه و مبتنی بر مَر قانون انتخابات با رعایت اصل بی طرفانه و مشارکت حداکثری و متعاقب آن انتخاب شوندگان پاسخگو و انتخاب کنندگان پرسشگر و... از ویژگی های امنیت ساز انتخابات بوده و از جمله عوامل مهمی هستند که علاوه بر اینکه موجب اعتبار و مشروعیت داخلی و بین المللی انتخابات هستند. دوم اینکه نشان از کارآمدی سیستم سیاسی در پاسخ به نیازهای مدنی و سیاسی جامعه است، که به تقویت روحیه ملی و درمان آسیب پذیری های داخلی و دفع و باز داشتن تهدیدات خارجی منجر می شود. در واقع انتخابات پیام های که به دست می دهد، به غیر امنیتی کردن بسیاری از مسائل و موضوعات امنیتی کمک نموده و آنها را به حوزه سیاسی موکول می نمایند، و با اتخاذ ساز و کارها و ابزارهای عادی سیاسی کارکردی بازدارنده ایجاد می کند، که می توان آن را «بازدارندگی انتخاباتی» نامید.

انتخابات و سازوکار انتخاباتی پیوند وثیقی با مقوله حکمرانی خوب دارد! حکمرانی خوب که مرکز ثقل آن رضایتمندی مردم است، با معیارها و شاخص هایی نظیر ثبات سیاسی، کارایی حکومت، کنترل فساد و حاکمیت قانون شناخته می شود «گافمن، کری و مستروزی معتقدند حکمرانی خوب دارای ویژگی هایی از قبیل: پاسخگویی دولت و حق اظهار نظر قایل بودن برای شهروندان، قانون مداری و حاکمیت قانون، اثر بخشی و کارایی دولت، ثبات سیاسی و نبود خشونت، مساوات طلبی، شفافیت و مسؤولیت پذیری و پاسخگویی است» (Kaufman, Kraay & Mastruzzi, 2010). حکمرانی خوب در پیوند با ساختارهای دموکراتیک، کارآمدی، پاسخگویی و حاکمیت قانون معنا می یابد. به این معنا که به هر میزان در یک کشور دولت پاسخگو تر و کارآمد تر باشد ثبات سیاسی بیشتر است و مقررات اضافی و هزینه های آن کمتر است و حاکمیت قانون گسترده تر و فراگیرتر و فساد محدودتر می باشد. گفته می شود آن نوع حکمرانی خوب تر است که انتخابات به عنوان یکی از ارکان محوری دموکراسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در ارتقاء شاخص های حکمرانی خوب نقش بسزایی دارد که در پی آن نیز ثبات سیاسی و امنیت خاطر شهروندان نهادینه می شود.

چنانچه مشروعیت سیاسی را حاوی دو وصف محوری: یکی «باور و اعتقاد به قدرت» و دیگری «تعهد و الزام» ناشی از آن بدانیم، مشروعیت سیاسی به عنوان یکی از ارکان

قدرت نرم، ارتباط اساسی با میزان کارایی حکومت و چگونگی رویارویی آن با خواسته های مشارکتی و قانونی اعضای جامعه دارد. از این رو به اعتقاد برخی از نظریه پردازان «نظام های سیاسی و اجتماعی با ثبات آنهایی هستند که اکثر مردم در بیشتر اوقات، دلایلی برای گُش در جهت حمایت و بقای آن نظام دارند. انتخابات به سبب ایجاد امکان برای عموم جامعه و احزاب و گروه های اقلیت که دچار نوعی محرومیت نسبی و سرخوردگی سیاسی هستند، که در صورت تداوم آن وضعیت که این خود به نظر «رابرت گار» یکی از عوامل اصلی خشونت و بی ثباتی سیاسی است» (گار، ۱۳۷۷: ۴۶۵). انتخابات با فراهم نمودن این امکان بر ایجاد امنیت دامن می زند.

۴-۵. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی از جمله مباحث مهم مورد توجه همه دولت ها در موضوع امنیت با نگاه رویکرد نرم افزارانه به امنیت است. بخصوص از این جهت که مشارکت سیاسی رضایت عمومی و ارتقای ضریب امنیت ملی در پی دارد. مشارکت انتخاباتی از انواع مشارکت متعارف می باشد و به معنای شرکت در هرگونه انتخابات و رأی دادن در آن است، که در چارچوب قوانین و مقررات رسمی یک کشور انجام می پذیرد (عبدالله و سید امامی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). مشارکت انتخاباتی یکی از انواع مشارکت سیاسی است (راش، ۱۳۸۸: ۱۲۶؛ میلبرات و گوئل، ۱۳۸۶: ۴۰). نوع مشارکت سیاسی مورد نظر جمهوری اسلامی که در قانون اساسی به آن تصریح شده است، مشارکت فعال می باشد که هم مبتنی بر حمایت از نظام سیاسی است و هم حضور در رقابت و نفوذ در سیاست است. بر این اساس مشارکت در انتخابات به علت قابلیت سنجش و اندازه گیری به عنوان مهم ترین و اصلی ترین معیار سنجش مشارکت سیاسی در مقایسه با دیگر وجوه مشارکت از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین حضور گسترده و فراگیر مردم در انتخابات قدرت اجتماعی منظور گردیده و از ارکان قدرت نرم بر آمده از جامعه است که امنیت ملی تقویت می کند.

اهمیت موضوع مشارکت سیاسی در ایجاد قدرت نرم و در پی آن امنیت نرم از آنجا ناشی می شود که مشارکت به مفهوم جدید آن با حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خود همراه است. که بستر عقلانی آن باندیشه های جان لاک و سپس در جامعه شناسی وبر فراهم شد و مشارکت سیاسی، حقوق همه دانسته شد (سیف زاده، ۱۳۸۸: ۴۸). در نظام های

سیاسی مردم سالار، قدرت در اختیار شهروندان است و آنان می‌توانند این قدرت را مستقیم یا غیر مستقیم اعمال کنند «اعمال قدرت به سه گونه انجام می‌گیرد. نخست، مشارکت با رأی‌گیری و از طریق انتخابات و... دوم، رقابت، مانند آنچه میان احزاب سیاسی صورت می‌گیرد. و سوم، آزادی، مانند آزادی بیان و آزادی برپایی اجتماعات» (اونیل، ۱۳۸۶: ۱۸۷).

امنیت از منظر مشارکت سیاسی، به فرض مستقیم رابطه میان میزان مشارکت مردم در انتخابات و مقبولیت و مشروعیت سیاسی نظام بر می‌گردد «تصور بر این است که در جامعه‌ای که شهروندان مشارکت کافی در امور سیاسی ندارند، احساس تعهد و دلبستگی چندانی نیز به نظام سیاسی موجود نخواهند داشت و به عنوان نیروی حامی و مشروعیت بخش نظام در شرایط بحرانی عمل نخواهند کرد» (عبداله، ۱۳۹۲: ۳۲). بر این اساس حضور و یا عدم حضور در انتخابات که قابل سنجش و اندازه‌گیری است دارای بار دوگانگی امنیت نرم و ناامنی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با طرح اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی- اجتماعی خویش به عنوان یک حق خداداد، اعمال اقتدار سیاسی را در عرصه عمل منوط به پذیرش آن از جانب مردم کرده است و مکانیسم انتخابات برای تحقق آن منظور نموده است «نظام جمهوری اسلامی به عنوان الگوی جدیدی از یک نظام سیاسی، علاوه بر عنوان رسمی آن «جمهوری اسلامی» از آن تحت عنوان «مردم سالاری دینی» نیز یاد می‌شود، که حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی شان از طریق انتخابات به رسمیت شناخته است» (هریسی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۴۳). بر این اساس چنانچه تعریف مردم سالاری، به مثابه نظام کنترل عمومی، نظام کنترل سیاسی، نظام پاسخگویی نخبگان در برابر مردم، نظام حفظ حقوق مدنی و سیاسی شهروندان بدانیم، انتخابات از طریق ایجاد مشارکت عمومی در تحقق آن کمک می‌رساند (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۶). در نظام های مردم سالار قدرت سیاسی مبتنی بر رضایت و پذیرش مردم است. که از طریق انتخابات دوره ای، آزاد و منصفانه به دست می‌آید «بنابراین انتخابات منبع اصلی قدرت سیاسی مشروعیت یافته است» (هاشمی، ۱۳۷۴: ۲۷۷). بدین سان راهبردهای انتخابات در جمهوری اسلامی ایران که بر اساس قانون اساسی مبتنی بر سه ویژگی برجسته «مشروعیت بخشی» که چهره نهادی دارد، «اعتبار بخشی» که نگاه کارکردی دارد و «حق بخشی»

که رویکردی حمایتی دارد، از عوامل بستر ساز و دخیل در امنیت به مفهوم نرم افزای آن می‌باشند.

۶- قابلیت‌های انتخابات در ایجاد ناامنی

برگزاری انتخابات به این سبب که معطوف به قدرت است و به حفظ، کسب و اعمال قدرت بر می‌گردد بطور طبیعی چاش‌زا و مخاطره آمیز است؛ از طرفی نیز با توجه به اینکه انتخابات یک بازی سیاسی ایجاد می‌کند و به عنوان یک پدیده ای چند وجهی از عوامل مختلف تأثیر می‌گیرد و متعاقباً بر عوامل مختلف تأثیر می‌گذارد در کانون مرجع امنیت قرار می‌گیرد.

در تبیین نسبت انتخابات با امنیت و ناامنی سیاسی - اجتماعی برخی پژوهشگران بر این امر تأکید دارند که برای فهم پیامدهای امنیتی انتخابات، هم باید دوره زمانی بلند مدت را در نظر گرفت و هم شدت تنش‌ها و رخدادهای امنیتی تکرار شونده را سنجید «لارس اریک و همکاران با مطالعه انتخابات در ۱۱۸ کشور این نتیجه را یادآور می‌شوند که بر خلاف تصور عمومی، انتخابات در یک فرایند بلند مدت زمینه و عامل گسترش خشونت سیاسی نبوده است. آنها انتخابات را حتی در جوامع متکثر مکانیزمی برای کنترل خشونت و دستیابی به فرایند‌های مسالمت آمیز کسب قدرت می‌دانند. البته آنها یادآور می‌شوند که انتخابات در مناطق خطرناک و نامساعد برای رقابت عاملی برای منازعه و خشونت سیاسی بوده است» (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

ماهیت دوگانه انتخابات در ایجاد امنیت و ناامنی در مقاطعی از ادوار برگزاری انتخابات در ایران روی داده است، بطوری که اگر چه در مقاطعی انتخابات عامل ناامنی بوده است، اما از طرف دیگر انتخابات عامل امنیت ساز نیز بوده است «انتخابات ریاست جمهوری یازدهم که چهار سال پس از بی‌ثباتی‌های سیاسی - اجتماعی ناشی از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم روی داد، نتایج مثبت اما موقتی بر ثبات سیاسی کشور داشته است» (محمدی لرد، ۱۳۹۳: ۶۷). بر این اساس انتخابات با توجه به جنبه نرم افزاری و ذات و سرشتی که دارد می‌تواند هم در ایجاد امنیت دخیل باشند و هم اینکه سبب ساز بی‌ثباتی و ناامنی شوند. ناامنی ناشی از انتخابات از طرفی به عملکرد منتخبین در انتخابات و میزان توانایی، کارآمدی و پاسخگویی آنها در قبال مسئولیت ناشی از رأی مردم بر می‌گردد، که در میزان رضایت و عدم رضایت مردم تأثیر گذار است که از نظر گفتمان ایجابی امنیت، در ایجاد امنیت و ناامنی موثر است.

مطالعات میدانی لولپیر و پژوهش‌های نشان می‌دهد، چنانکه در جوامعی جریان‌های رقیب در انتخابات از یک سو قواعد، الزامات و استانداردهای انتخابات را نادیده بگیرند و از سوی دیگر نتایج رقابت‌های انتخاباتی را نپذیرند، اجتناب از منازعات بی‌سر‌نوشت ممکن نیست (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۷). آسیب‌های انتخابات در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف که می‌تواند ناشی از کاستی‌های قانون و مقررات انتخابات و در نتیجه علل و عوامل زمینه‌ای، فردی و رفتاری و ساختاری باشند، و بنا بر ماهیت و سرشتی که می‌توانند به خود گیرند و در قبل از برگزاری انتخابات، حین برگزاری، روز برگزاری و پس از برگزاری انتخابات به نسبت متفاوت سرایت داشته باشند و به صورت پیدا و پنهان به ساحت برگزاری انتخابات سرایت نموده و اصل وجودی انتخابات و برگزاری آن که موجب تقویت و تولید قدرت نرم ملی است، را به نوعی تحت تأثیر خود قرار دهند و ایجاد ناامنی نمایند.

احساسی، هیجانی و عاطفی بودن مبانی رفتاری و نظری فرهنگ سیاسی انتخاباتی در کشور، غیر رقابتی بودن مبانی فرهنگ سیاسی انتخاباتی و رقابت سیاسی و انتخاباتی مبتنی بر حذف و ستیز، مشارکت سیاسی انتخاباتی نهادینه نشده و فاقد رقابت سیاسی و ایدئولوژیک و فقدان مقررات مالی شفاف در خصوص میزان سقف و منابع مالی هزینه‌های تبلیغات نامزدهای انتخابات و بهره‌گیری از امکانات و منابع دولتی و نیروهای دولتی و متعاقب آن فقدان مقررات مشخص و شفاف در خصوص ممنوعیت‌ها و مجازات‌ها و تخلفات صورت گرفته در این خصوص. همچنین انشعاب و انشقاق در احزاب سیاسی و جناح‌ها و بروز و ظهور چنددستگی درون حزبی و جناحی، عدم تمکین نامزدهای انتخابات به قانون و نتیجه انتخابات و رأی مردم. اردو‌کشی و مانورهای خیابانی و ایجاد تحریک در جامعه توسط نامزدهای انتخابات و هواداران آنها. ایجاد سناریو به منظور دو قطبی نمودن جامعه، انتخابات و مبارزات انتخاباتی توسط نامزدها و هواداران آنها، مصاحبه‌ها، صدور و انتشار بیانیه‌های اعتراض آمیز و تنش‌زا توسط نامزدهای انتخابات و هواداران آنها. اعلام پیروزی نامزدهای انتخابات و هواداران آنها قبل از اتمام جریان انتخابات و اعلام نتیجه قطعی انتخابات از طریق وزارت کشور. ایجاد شائبه تخلف و تقلب در انتخابات به منظور بی‌اثر جلوه دادن انتخابات. امنیتی شدن فضای سیاسی انتخاباتی در ایام منتهی به برگزاری انتخابات و احساس عدم امنیت در بین نامزدها، نخبگان و مردم. عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای و هتک حرمت در تبلیغات و مبارزات و

رفتارهای انتخاباتی. ایجاد شکاف های منطقه ای، مذهبی و قومی به منظور جلب و کسب آرای مردم توسط نامزدهای انتخابات و هواداران آنها. عدم رعایت اصل بی طرفی «مدیریت انتخابات» و «نظارت بر انتخابات» و ورود غیر قانونی به تبلیغات انتخابات. وجود شکاف بین دولت- ملت و شکاف بین نخبه و توده و نخبگان با جامعه و هویتی شدن انتخابات. پوپولیستی کردن انتخابات با دستکاری و شکل دهی به توده ها توسط نامزدها، احزاب سیاسی و نخبگان. ورود فضای مجازی به جریان انتخابات و رقابت ها و مبارزات و تبلیغات انتخابات و بهره گیری و استفاده غیر صحیح از آن. تدلیس دولت ها در تغییرات پولی و ارزی در ایام منتهی به برگزاری انتخابات و ایجاد «ادوار انتخاباتی». ورود بنگاه های مالی و سیاسی و رانت های اقتصادی - سیاسی به جریان و فرایند انتخابات و مبارزات انتخاباتی. فقدان توسعه متوازن و همه جانبه و گسترده اقتصادی و متعاقب آن شکل گیری شکاف های «حاشیه - متن» و «مرکز - پیرامون». شرایط اقتصادی حاکم بر کشور و ضعف مالی و معیشتی مردم. فسادهای سیاسی - اقتصادی و فشارهای سیاسی و اقتصادی بر مردم و جامعه. خود سانسوری نخبگان در پذیرش واقعیت های مردم و جامعه و در همراه شدن با مردم و در نتیجه ایجاد شکاف در بین خود نخبگان و بین نخبگان و جامعه و بین نخبگان با انتخابات و... مجموعه عواملی می باشد که در وقت و فرصت مقتضی ظهور و بروز نموده و سبب سلب رضایت مردم از انتخابات گردیده و بستر و زمینه ای در ایجاد قابلیت های نهفته انتخابات در ایجاد ناامنی و بی ثباتی فراهم می آورند (توکل نیا، گلشنی و احمد آذین، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۲۱).

نتیجه گیری

در این مقاله فرض بر این است که انتخابات بنا بر ذات و ماهیتی که دارند در بستر و شرایط مقتضی بنا بر کار کردها و کارویژه های که دارد می توانند نقش دو گانه ای در ایجاد امنیت و ناامنی کند، که بر اساس و تحلیل صورت گرفته در چارچوب نظری مقاله و بهره گیری از منابع مکتوب و مطالعات صورت گرفته نتیجه گرفته شد که انتخابات رابطه تنگاتنگ با امنیت دارد و از دو جهت می تواند موضوع امنیت (ایجاد امنیت و ایجاد ناامنی) قرار بگیرد، لذا هر مولفه و متغیری که به تقویت این موارد بیانجامد در افزایش ضریب امنیت و ناامنی موثر است؛ به طوری که انتخابات از طرفی با توجه به کارکردهای نرم افزارانه ی همچون چون ایجاد مشروعیت سیاسی، انسجام سیاسی - اجتماعی، ظرفیت سیاسی (اقتدار و کارایی)، مشارکت سیاسی و... که دارد با تولید قدرت نرم و متعاقب آن

ایجاد امنیت نرم نقش بسزایی در نهادینه سازی رضایت مندی و تقویت ثبات سیاسی و امنیت دارد. از طرفی دیگر با توجه به ماهیت و ذات انتخابات که فی نفسه می تواند چالش زا و آسیب پذیر و آسیب زا باشد. آن روی دیگر انتخابات عامل ایجاد آسیب ها و تبدیل آسیب ها به بی ثباتی و ناامنی بوده است، بنابراین یکی از ویژگی های انتخابات آن است که هر مرجعی را برای امنیت در نظر بگیریم، انتخابات کارکردی امنیت ساز را در قبال آن ایفاد خواهد کرد.

این مقاله به منظور بررسی نقش انتخابات در ایجاد امنیت و ناامنی این نتیجه را به دست داد که امنیت به عنوان یک متغیر وابسته در قبال انتخابات، با توجه به متن آن معنی می دهد که متناسب با تحول متن آن تغییر می یابد، بطوری که انتخابات در فضای قدرت نرم و ارزش ها که معطوف به مشروعیت نظام سیاسی. کارآمدی و نفوذ حکومت و قانونمداری، مردم سالاری، مشارکت سیاسی و... است تولید امنیت نرم نموده و امنیت ساز است. از دیگر سو در فضای آسیب ها در حوزه ها و زمینه های مختلف مرتبط با برگزاری انتخابات که در این مقاله به آنها پرداخته شده است، عامل تهدیدات نرم بوده و ایجاد ناامنی می نمایند.

منابع و مآخذ:

- آزر، ادوارد. ایومون، چونگ این (۱۳۷۷)، **امداد نرم افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیستم سیاسی**، ترجمه گروه امنیت ملی، سیاست دفاعی، شماره ۱۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، **تهدید نرم، رویکردی اسلامی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- (۱۳۸۵)، **فرهنگ عمومی به مثابه فرهنگ**، **فصلنامه امنیت عمومی**، سال اول، شماره ۱.
- (۱۳۸۵)، **صورت بندی امنیت ملی در حوزه فقه سیاسی**، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۳.
- (۱۳۸۱)، **رسانه و ثبات سیاسی**، مجموعه مقالات همایش رسانه و ثبات سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- (۱۳۸۰) **«فرهنگ امنیت جهانی» در امنیت جهانی، رویکردها و نظریه ها**، آ.دی. مک کین ای، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدی، علی (۱۳۸۹)، **انتخابات در ایران: بررسی حقوقی و قانونی**، تهران: نشر میزان.
- اونیل، پاتریک (۱۳۸۶)، **مبانی سیاست تطبیقی**، ترجمه سعید میرترابی، تهران: نشر قومس.
- بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۵)، **انتخابات ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- توکل نیا، پرویز؛ گلشنی، علیرضا و احمدآذین (۱۳۹۷)، **آسیب شناسی انتخابات ریاست جمهوری و راهکارهای اصلاح آسیب ها**، فصلنامه علمی- پژوهشی ریافت انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شمار ۴۵
- جهان بین، فرزاد و اعظم امامی (۱۳۹۳)، **سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم و تهدید نرم**، دو فصلنامه قدرت نرم، سال چهارم، شماره دهم
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷)، **ترمیمولوژی حقوق**، تهران، نشر گنج دانش
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۸۶)، **رویکردهای مقابله با تهدید نرم علیه منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران**، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۸۸
- خواجه سروری، غلامرضا (۱۳۸۲)، **رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- خسروی، حسن (۱۳۸۸)، **حقوق انتخابات دموکراتیک: اصول، مبانی و الگوهای مطلوب نظام انتخاباتی**، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ذوالفقاری، حسین و حسین عصا زیان نژاد (۱۳۸۹)، **رویکرد امنیت داخلی در مقابله با تهدید نرم**، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۹.
- رز، ریچارد (۱۳۹۰)، **دایره المعارف بین المللی انتخابات**، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر میزان.
- رحیمی، علیرضا (۱۳۹۴)، **انتخابات و امنیت ملی؛ از ثبات تا دگرگونی سیاسی**، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۹۶.
- رضازاده، محمد امین (۱۳۹۶)، **انتخابات: مشارکت سیاسی و منافع ملی**، داخلی وزارت کشور، معاونت سیاسی، دفتر امور سیاسی.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۸)، **پانزده مدل نو سازی، توسعه و دگرگونی سیاسی**، تهران: نشر قومس.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۲)، **فرهنگ سیاسی ایران**، چاپ پنجم، تهران: نشر فروزان روز.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۶)، **تأثیر مؤلفه های مذهبی بر رفتار رأی دهنی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی**، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۷۷.
- گار، تد رابرت (۱۳۷۷)، **چرا انسان ها شورش می کنند**، ترجمه علی مرشدی زاده، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- گابریل، آلموند و همکاران (۱۳۷۶)، **چارچوبی نظری برای بررسی تطبیقی**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی (۱۳۸۸)، **تهدید نرم و راهبردهای مقابله**، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قاضی، ابو الفضل (۱۳۸۲)، **باید سته های حقوق اساسی**، جلد دوازدهم، تهران: نشر میزان.
- قاضی شریعت پناهی، ابو الفضل (۱۳۷۱)، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی کلیات و مبانی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قنبریان، محسن (۱۳۸۴)، **انتخابات، حق یا تکلیف**، فصلنامه کتاب نقد، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.
- محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۳)، **انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هیفدهم، شماره اول.
- زهاشمی، سید محمد (۱۳۷۴)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- هریسی نژاد، کمال الدین (۱۳۸۰)، **نظری بر ابعاد حقوقی انتخابات و راه های توسعه آن**، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، دوره ۴۴، شماره ۱۸۱-۱۸۰.
- هاف ندرسون، هلگه (۱۳۷۱)، **معای امنیت: نظریه پردازی و ایجاد قواعد در زمینه امنیت بین المللی**، ترجمه علیرضا طیب، سیاست خارجی، شماره ۴.

منابع لاتین

- Booth, Ken (2005) **Critical Security Studies and World Politics**, Colorado: Lynne Reinner Publisher
- Rehman, Iqbalur (1992) **National Security and The problems of Unconventional Warfare**, Delhi: Kanishka Publishing House.
- Nye, Joseph S (2002), **The Paradox of American Power: Why The World's anly**

Saperpower Can't Go It Alone, Oxford, Oxford University Press.

- Kaufman, D. Kraay, A. and Mastruzzi, M(2010)
Governance MatterIV:Governance Indicator for 1996-2010.

www.worldbank.org/wbi/governance/govdata